

اما سند روایت:

تا علی بن ابی مغیره، سند صحیح است اما درباره علی بن ابی مغیره، حضرت امام می نویسد:  
 «لكن في سندها ضعف بعلي بن أبي المغيرة، للوثوق بأنّ توثيق العلامة تبع للنجاشي في ابنه الحسن بن عليّ بن أبي مغيرة، و ظاهر كلام النجاشي توثيق ابنه، فتعبير السيد صاحب الرياض عنها بالصحيحة غير وجيه ظاهرا.»<sup>١</sup>  
 توضیح:

١. علامه به تبع نجاشی، او را توثیق کرده، در حالیکه عبارت نجاشی چنین است:  
 «الحسن بن علی بن ابی المغیره الزبیدی الکوفی ثقة هو، و ابوه روی عن ابی جعفر و ابی عبدالله و هو یروی کتاب ابیه عنه و له کتاب منفرد.»<sup>٢</sup>
٢. «فتوهم من عبارته هذه كون التوثيق لابن و الأب معا، مع وضوح أنّ الواو فی قوله: «و أبوه» للاستيناف لا للعطف، اذ لا یروی الحسن عن أبی جعفر «ع». قال الأستاذ الإمام «ره»: «فتعبير السيد صاحب الرياض عنها بالصحيحة غير وجيه ظاهرا.» هذا.»<sup>٣</sup>

ما می گوئیم:

- (١) نزاع در آن است که آیا «و ابوه» عطف به «هو» است و یا مستأنفه است. در صورت دوم توثیق تنها مربوط به پسر است و در صورت اول هم مربوط به پسر است و هم به پدر.
- (٢) در عبارت نجاشی، ٨ مورد یافت می شود که در آنها «ثقة هو و أخوه» یا «ثقة هو و اخواه» و یا «ثقة هو و ابوه» آمده است:

- «إبراهيم بن أبي بكر محمد: بن الربيع يکنی بأبی بکر ابن أبي الشمال سمعان بن هبيرة بن مساحق بن بجير بن عمير بن أسامة بن نصر بن قعين بن الحارث بن ثعلبة بن دودان بن أسد بن خزيمه ثقة هو و أخوه إسماعيل بن أبي الشمال روي عن أبي الحسن موسى عليه السلام و كانا من الواقعة.»<sup>٤</sup>
- «إسماعيل بن همام بن عبد الرحمن: بن أبي عبد الله ميمون البصري مولى كندة و إسماعيل يکنی أبا همام روى إسماعيل عن الرضا [عليه السلام] ثقة هو و أبوه و جده. له كتاب.»<sup>٥</sup>

١. المكاسب المحرمة (للإمام الخميني)؛ ج ١، ص: ٦٨

٢. رجال نجاشی، ص ٤٩

٣. دراسات في المكاسب المحرمة؛ ج ١، ص: ٣١٨

٤. رجال نجاشی، ص ٢١

٥. رجال نجاشی، ص ٣٠



- «الحسن بن عمرو: بن منهال بن مقلاص كوفي ثقة هو و أبوه أيضا. و له كتاب نوادر.»<sup>۱</sup>
  - «عبد المؤمن بن القاسم بن قيس بن قيس بن قهد الأنصاري: روى عن أبي جعفر و أبي عبد الله عليهما السلام ثقة هو و أخوه و هو أخو أبي مريم عبد الغفار بن القاسم. و قيس بن قهد صحابي ذكره في ذيل المذيل. يكنى عبد المؤمن بأبي عبد الله كوفي توفي سنة سبع و أربعين و مائة و هو ابن إحدى و ثمانين سنة. له كتاب.»<sup>۲</sup>
  - «عمرو بن إلياس بن عمرو بن إلياس البجلي: أيضا ابن ابن ذاك روى عن أبي عبد الله عليه السلام روى عنه الطاطري. و هو ثقة هو و أخواه يعقوب و رقيم. له كتاب.»<sup>۳</sup>
  - «محمد بن القاسم بن الفضيل بن يسار النهدي: ثقة هو و أبوه و عمه العلاء و جده الفضيل روى عن الرضا عليه السلام. له كتاب.»<sup>۴</sup>
  - «يحيى بن إبراهيم بن أبي البلاد: و اسم أبي البلاد يحيى. مولى بنى عبد الله بن غطفان ثقة هو رجال النجاشي ص : ۴۴۶ و أبوه أحد القراء كان يتحقق بأمرنا هذا. له كتاب.»<sup>۵</sup>
  - «إبراهيم بن أبي البلاد: و اسم أبي البلاد يحيى بن سليم و قيل ابن سليمان مولى بنى عبد الله بن غطفان يكنى أبا يحيى كان ثقة قارئاً أديباً و كان أبو البلاد ضريراً و كان راوية الشعر و له يقول الفرزدق يا لهف نفسى على عينيك من رجل و روى عن أبي جعفر و أبي عبد الله [عليهم السلام] و لإبراهيم محمد و يحيى روى الحديث. و روى إبراهيم عن أبي عبد الله و أبي الحسن موسى و الرضا عليهم السلام و عمر دهر و كان للرضا [عليه السلام] إليه رسالة و أثنى عليه. له كتاب.»<sup>۶</sup>
- (۳) نکته حائز اهمیت آن است که در ۷ مورد نخست توثیق مربوط به پسر و برادران و یا پسر و پدر و بر این حمل قرینه یافت می شود ولی در مورد آخر، با توجه به آنچه در ص ۲۳ آمده است، «اخذ القراء» خبر ابوه است و لذا واو در «و ابوه» استیناف می شود. اللهم الا أن يقال که «اخذ القراء» بدل برای ابوه باشد.

۱. رجال نجاشی، ص ۵۷

۲. رجال نجاشی، ص ۲۴۹

۳. رجال نجاشی، ص ۲۸۹

۴. رجال نجاشی، ص ۳۶۲

۵. رجال نجاشی، ص ۴۴۵

۶. رجال نجاشی، ص ۲۳



به هر حال قرائن ما از نوع ادبیات نجاشی به آن حدی نیست که بتوانیم به نوعی واحد از نگارش مطمئن شویم.

✓ ب) دسته دوم: روایات ناهیه از جلد میته به طور مطلق

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ [حَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ جُلُودِ السَّبَاعِ أَوْ يُنْتَفَعُ بِهَا - فَقَالَ إِذَا رَمِيتَ وَ سَمَيْتَ فَانْتَفِعْ بِجِلْدِهِ - وَأَمَّا الْمَيْتَةُ فَلَا.»<sup>۱</sup>

سند حدیث:

حسین بن سعید و برادرش حسن بن سعید اهوازی از بزرگان امامیه هستند و توثیق شده اند. حسن از حسین بزرگتر بوده ولی در کتاب هایشان مشترک هستند با این فرق که روایات از «زرعه» و «فضاله بن ایوب» را تنها حسن نقل کرده و حسین با واسطه او از آن دو نفر، روایت کرده است.<sup>۲</sup>

اما زرعه: زرعه بن محمد الحضرمی از امام صادق و امام کاظم روایت دارد و از سماعه بن مهران بسیار روایت کرده است. نجاشی<sup>۳</sup> او را توثیق کرده ولی او را از واقفه بر شمرده است. مرحوم شیخ طوسی نیز او را از واقفه بر شمرده است.<sup>۴</sup>

اما سماعه بن مهران: از امام صادق و امام کاظم روایت دارد. نجاشی<sup>۵</sup> او را «ثقه ثقه» بر شمرده است ولی شیخ طوسی<sup>۶</sup> او را واقفی دانسته است. برخی واقفی بودن او را نپذیرفته اند.<sup>۷</sup>

اما سند شیخ به حسین بن سعید:

طریق اول: «شیخ عن مفید و ابن غضائری و احمد بن عبدون عن احمد بن محمد بن حسن بن ولید عن ابیه محمد بن حسن بن ولید عن حسین بن حسن بن ابان عن الحسین بن سعید.»

طریق دوم: «شیخ عن ابو الحسین بن ابی جید القمی عن محمد بن حسن بن ولید (ابن ولید معروف) عن حسین بن حسن بن ابان عن الحسین بن سعید.»

حسین بن حسن بن ابان توثیق شده است و او را از اجلاء قمی ها دانسته اند.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۲۴، ص ۱۸۵

۲. رجال نجاشی، ص ۵۸

۳. رجال نجاشی، ص ۱۷۶

۴. الفهرست، ص ۲۱۰

۵. رجال نجاشی، ص ۱۹۳

۶. رجال، ص ۳۳۷

۷. برنامه نور الدراية

طریق سوم: «شیخ .. عن ابن ولید عن محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد (بن عیسی) عن الحسین بن

سعید..»

نکته:

روایت به ظاهر مضمره است ولی مرحوم شیخ طوسی که در تهذیب که این روایت را نقل کرده است<sup>۱</sup>، پیش از این دو روایت را نقل کرده است. روایت اول چنین است: «عن عبدالله بن سنان قال: قال ابو عبدالله» و روایت دوم چنین است: «عن سماعه قال سئلته» و روایت ما نحن فیه بعد از این روایت است. پس ظاهر عبارت، سوال سماعه از امام صادق است.

ترجمه:

«پرسیدم درباره پوست درندگان که آیا از آن ها می توان نفع برد؟ فرمود اگر تیراندازی کردی و بسم الله گفتی، از پوست نفع ببر ولی اگر میته است، نه.»